

در باب اهمال

یادداشت اختصاصی حجت الاسلام و المسلمین شیخ حسین انصاریان

عرفان اسلامیان



سطح سه حوزه و فوق لیسانس فقه و مبانی حقوق

و کثرت مشغله به آن بی توجه شده‌ام. این معنی غفلت است. معنی دیگر سهل انگاری است؛ یعنی ساده دیدن مسائل مهم، و آسان دیدن مسائل کاربردی، که همین آسان دیدن باعث ضعف عمل می‌شود.

وقتی کاری را با ارزش نبینم، از چشمم می‌افتد و دیگر به دنبال تحقق آن نمی‌روم. مهم‌ترین معنایی که من در لغت دیده‌ام و خیلی مهم است و بار بسیار سنگینی دارد، در زندگی اجتماعی و خانوادگی، به معنی ترک وظیفه و ترک مسئولیت است. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، چه قبول داشته باشیم و چه

یک راه درمان اهمال کاری همین است که انسان شرح زندگی بزرگان جهان را بخواند، خانواده آن‌ها را بشناسد و ببیند گاهی از یک خانه کاهگلی معمولی در یک قریه، چه انسان‌های با عظمتی طلوع کرده‌اند!

تعریف اهمال

اهمال را ابتدا باید از نظر لغت بررسی کرد که اصولاً بزرگان لغت و ادیبان معروف عرب و تنظیم‌کنندگان کتاب‌های لغت درباره این کلمه چه معنایی را نوشته‌اند. چندین معنا برای آن نوشته شده است:

یکی به معنای غفلت است. غفلت یعنی قبلاً من به حقیقتی و کار مثبتی و عمل درستی توجه داشتم و حالا بر اثر کارزدگی، افکار پریشان





را نمی‌دانید، نفهمیده‌اید، یاد نگرفته‌اید و به ناچار می‌شوید
اهمال‌کار. عامل دیگر از نظر حضرت مجتبی(ع) این است: «با
اهل فساد هم‌نشینی کردن».

چون آن‌ها بی‌عارند، بی‌کارند، ولنگارند و به‌طور دائم نسبت
به شما تبلیغ منفی می‌کنند و این دو کلمه زشت را تلقین
می‌کنند تا باور کنید که نسبت به یک کار مهم و یک حق مهم
و یک برنامه مثبت بگویید به من چه! و به دیگران چه!
یعنی اهل فساد به‌طور منفی تشویق می‌شوند که عبادت و کار
خیر ترک شود؛ با همین دو جمله ابلسی.

در کتاب شریف اصول کافی آمده است که پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید:
من اصبح ولا یتهم بامور المسلمین فلیس بمسلم:
کسی که در حال زندگی کردن است و می‌گوید کار مسلمانان به
من ربطی ندارد، اصلاً دین ندارد و مسلمان نیست.

عواقب اهمال کاری

با توجه به دو موضوع قبل، به مسئله سوم می‌رسیم که اهمال کاری
عواقب بسیار بدی دارد. اولاً برای خود انسان عاقبت بدی دارد که
از کمالات، ارزش‌ها، اخلاقیات نیکو و اعمال مثبت دست خالی
می‌ماند. این مربوط به دنیای اوست. انسان دست خالی، وقتی وارد
برزخ می‌شود، در آتش حسرت و کفر می‌سوزد تا قیامت شود. وقتی
در قیامت با دست خالی وارد شد، اهل دوزخ است.

امام صادق(ع) می‌فرماید: «خیلی انسان بی‌حیا و بی‌شرمی است
کسی که بدون عمل، بدون اخلاق، بدون هزینه کردن مال در راه
خدا و بدون کمک به مردم، امید به نجات داشته باشد.» این آدم
امیدش مانند کسی است که زمین دارد، بذر دارد، آب هم دارد،
شش ماه پاییز و زمستان را می‌خوابد و روی زمین کاری نمی‌کند،
ولی به زراعت و برداشت مفضل امید دارد. به چه پشوانه‌ای؟ این
امید شیطانی است.

درمان اهمال کاری

ما از آیات و روایات استفاده می‌کنیم که انسان با کم‌خوری،
کم‌خوابی، نشست و برخاست با نیکان تشویق‌کننده به امور
مثبت، و با توجه کردن به عاقبت، به خطرناک بودن دست
خالی ماندن از امور مثبت و آداب انسانی، توجه کردن به
قیامت، توجه کردن به مراقبت و نظارت پروردگار به انسان، و
توجه کردن به ارزش عمر و هر روز و هر شب آن، ولو ساعات
کم، می‌تواند یک درخت با عظمت و پرثمر باشد. همچنین است
توجه به مردان بزرگ تاریخ که گاهی از خانواده‌ای بودند که در
قریه زیست می‌کردند، گاهی از خانواده گمنامی بودند، گاهی
پدر برابر بوده است، چاه قنات می‌کنده، کارگر ساختمانی بوده،
ولی فرزند با تشویق همان پدر تهی دست از مال دنیا، دنبال
تحصیل علم و ارزش رفته و تبدیل به شخصیتی عظیم شده

نداشته باشیم، از نظر پروردگار عالم، انبیا و امامان مسئولیم.
مسئول یعنی چه؟ یعنی آن موجودی که چه در دنیا چه
در قیامت، از او به خاطر ترک وظیفه، و به خاطر سستی
و غفلت پرسش می‌شود. یعنی انسان موجودی است که
نسبت به مسئولیت و وظیفه در پیشگاه خدا دادگاه دارد و
باید جواب بدهد. و ترک وظیفه، گاهی مربوط به وظایف و
مسئولیت‌هایی است که ترک آن‌ها حرام است.

ما نسبت به خود پروردگار، نبوت، ولایت، عبادت، ترک حرام،
خانواده، جامعه، عمل و اخلاق مسئول هستیم
و این مسئولیت بر عهده ما ثابت است. کسی
نمی‌تواند بگوید که من نسبت به خودم، فکرم،
عقلم، جانم، روح و روانم هیچ مسئولیتی ندارم
و هر چه می‌خواهد بشود. کسی این حق را ندارد
که چنین بگوید. یا نمی‌تواند بگوید من نسبت
به پدر و مادرم، نعمت‌ها، خانواده‌ام و جامعه
مسئول نیستم و به من ربطی ندارد. هیچ کسی
و هیچ چیزی به من حقی ندارد؛ این یک دروغ است. یک حرف
شیطانی است.

ترک مسئولیت حرام است. چرا؟ چون رها کردن مسئولیت
یعنی رها کردن واجبات الهی. یعنی رها کردن واجبات حقوقی.
یعنی رها کردن واجبات مالی. یعنی رها کردن امور مثبت.
این توضیحات، نگاه آیات و روایات به موضوع اهمال است که
اگر دقت بفرمایید، در این مسائل برای شما عقلی و عملی ثابت
می‌شود که اهمال، کاری شیطانی و حرام است.

عوامل اهمال کاری

دوم باید سراغ عوامل اهمال کاری رفت؛ سراغ عوامل ترک
وظیفه، ترک مسئولیت و عوامل غفلت. امام مجتبی(ع)
می‌فرماید: «یکی از عوامل اهمال این است که جلسات علم را
ترک کنیم» و زمانی که شما دنبال فهم مسائل نباشید و جاهل
بمانید، اهمال کار می‌شوید. یعنی وظایف و مسئولیت‌هایتان



زمانی که شما
دنبال فهم مسائل
نباشید و جاهل
بمانید، اهمال کار
می‌شوید

است.

مثال‌هایی در باب مقابله با اهمال و رسیدن به موفقیت

نمونه‌هایی از شخصیت‌هایی که تن به اهمال کاری ندادند، یکی از بزرگ‌ترین مراجع این صد سال اخیر، **آیت‌الله حاج سید ابوالحسن اصفهانی** بود؛ مرجع فوق‌العاده‌ای که روزگار مرجعیتش واقعاً روزگار حیات اسلام بود و روز درگذشت او دنیا را تکان داد، نه فقط کشورهای اسلامی را. ایشان پسر یک کشاورز معمولی در قریهٔ مدیسهٔ اصفهان بود. پدر کاملاً گمنام بود و برنج‌کاری مختصری داشت. پسر عاشق تحصیل شد و رفت و خود را تا قلهٔ کمالات و ارزش‌ها رساند و از بزرگ‌ترین مراجع قرن، قبل از آیت‌الله بروجردی، شد.

شهید آیت‌الله سیدحسن مدرس در شهر قم‌شده، که حالا می‌گویند شهر شهرضا، در مسیر اصفهان به شیراز، شاگرد یک عطار بوده است. یک نفر عالم می‌آید خرید کند و می‌بیند این کودک خیلی تیزهوش است. می‌بیند این کودک خیلی عاقل است. به عطار می‌گوید این کودک را به من بسپار تا بگذارم درس بخواند. می‌گوید مانعی ندارد و می‌رود پیش پدرش اجازه می‌گیرد. وی را می‌فرستد اصفهان. دو سه سالی خرج او را می‌دهد. خود کودک هم کارگری می‌کند و خرج هفتهٔ خود را اداره می‌کند. بعد می‌رود نجف. از نجف به‌عنوان یک مجتهد جامع‌الشرایط برمی‌گردد.

علمای بزرگ مشروطه او را جزو پنج

مجتهد شورای نظارت بر قانون

اساسی قرار می‌دهند و بعد

در تهران رأی بسیار بالایی

به او می‌دهند و وکیل

مجلس می‌شود. یک نفره

در مقابل روس می‌ایستد و

نمی‌گذارد ایران را بیلعند.

یک نفره در برابر قلدری‌های

رضاخانی می‌ایستد

و عاقبت شهید

می‌شود.

آیت‌الله حاج
سید ابوالحسن
اصفهانی

